

بسم الله الرحمن الرحيم

روز بهورز ۱۴۰۵

دکتر علیرضا مصداقی نیا - عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی و استاد پیشکسوت حوزه بهداشت

سخن گفتن از بهورز، سخن گفتن از یکی از اصیل‌ترین و ماندگارترین تجربه‌های نظام سلامت ایران است؛ تجربه‌ای که نشان داد می‌توان دانش سلامت را از مراکز اداری و دانشگاهی به نزدیک‌ترین نقطه زندگی مردم برد و آن را با فرهنگ، زبان، نیازها و واقعیت‌های هر جامعه پیوند زد.

روز بهورز، فقط مناسبت تقدیر از یک گروه شغلی نیست؛ فرصتی است برای یادآوری یک اندیشه بزرگ در نظام سلامت ایران: اینکه سلامت باید تا نزدیک‌ترین نقطه به زندگی مردم برود، با زبان آنان سخن بگوید، شرایط آنان را بشناسد و هیچ‌کس را به دلیل فاصله جغرافیایی، محرومیت اقتصادی یا محدودیت اجتماعی، از حق سلامت محروم نگذارد. بهورز، تجسم عینی همین اندیشه است.

برای نسل ما که بخشی از مسیر شکل‌گیری، توسعه و بالندگی نظام شبکه را از نزدیک دیده است، خانه بهداشت صرفاً یک ساختمان و بهورز صرفاً ارائه‌دهنده مجموعه‌ای از خدمات نیست. خانه بهداشت، نقطه تلاقی دانش و اعتماد عمومی است و بهورز، نماینده‌ای از دل همان جامعه است که علم سلامت را با شناخت فرهنگ، خانواده، جغرافیا و مناسبات محلی درهم می‌آمیزد. این پیوند میان دانش و مردم، راز ماندگاری و اثربخشی شبکه بهداشت ایران بوده است.

اگر امروز از دستاوردهای کشور در واکسیناسیون، سلامت مادر و کودک، کنترل بیماری‌های واگیر، بهبود بهداشت محیط روستا و گسترش دسترسی به خدمات پایه سخن می‌گوییم، باید به یاد داشته باشیم که بخش بزرگی از این موفقیت‌ها پشت میزهای اداری به دست نیامده است؛ در خانه‌های مردم، در راه‌های دشوار روستایی، در سرمای زمستان و گرمای تابستان و با پیگیری مستمر انسان‌هایی حاصل شده که مردم آنان را به نام، به چهره و به درستکاری می‌شناسند.

بهورز توانسته است کاری انجام دهد که هیچ فناوری به‌تنهایی قادر به انجام آن نیست. اعتماد در سلامت عمومی یک سرمایه تزئینی نیست؛ زیرساخت اجرای هر برنامه است. خانواده‌ای که سخن بهورز خود را می‌پذیرد، کودکش را برای واکسیناسیون می‌آورد، مراقبت دوران بارداری را جدی می‌گیرد، نشانه‌های خطر را زودتر گزارش می‌کند و در هنگام بحران، به توصیه‌های نظام سلامت اعتماد می‌کند. این سرمایه اجتماعی باید شناخته، پاسداری و تقویت شود.

طبق آمار رسمی سال جاری:

- ۱۸,۳۵۰ خانه بهداشت فعال در کشور در حال ارائه خدمت‌اند؛
- ۲۶۶,۰۶ بهورز زن و مرد (۱۷,۳۶۵ زن و ۹,۲۴۱ مرد) بیش از ۹۸ درصد جمعیت روستایی را تحت پوشش دارند.
- ۲۲۶ آموزشگاه بهورزی در سراسر کشور فعال است؛
- ۱۰,۷۲۴ مربی بهورزی (۱۰,۲۳۱ تمام‌وقت و ۴۶۴ پاره‌وقت) مسئولیت آموزش و تربیت نسل‌های جدید بهورزان را برعهده دارند
- و در حال حاضر ۴۰,۸۷۶ فراگیر بهورزی در مسیر آموزش و ورود به شبکه خدمت‌اند

این‌ها فقط اعداد نیستند؛ هر عدد، قصه‌ای از ایمان و ایثار است.

نظام شبکه در گذشته متوقف نمانده است و نباید آن را تنها با خاطره موفقیت‌های پیشین تعریف کنیم. وفاداری واقعی به این میراث، حفظ شکل گذشته آن نیست؛ حفظ اصول آن و بازآفرینی روش‌ها متناسب با نیازهای امروز است. اصل عدالت، مردم‌محوری، پیشگیری، پیوستگی مراقبت، ارجاع و مسئولیت‌پذیری همچنان معتبر است؛ اما جمعیت و بیماری‌ها تغییر کرده‌اند و پاسخ ما نیز باید هوشمندانه تغییر کند.

کشور ما امروز با سالمندی جمعیت، بیماری‌های غیرواگیر، مشکلات سلامت روان، حوادث، تغییرات اقلیمی و مخاطرات محیطی، مهاجرت و دگرگونی سبک زندگی روبه‌رو می‌باشد. دسترسی مردم به اطلاعات بیشتر شده، اما اطلاعات نادرست نیز با سرعتی بی‌سابقه منتشر می‌شود. در چنین شرایطی، بهورز آینده باید در کنار مهارت‌های بالینی و بهداشتی، توان تحلیل داده، ارتباط مؤثر، آموزش سلامت، شناسایی زود هنگام خطر، کار با ابزارهای دیجیتال و جلب مشارکت جامعه را نیز داشته باشد.

با این حال، باید مراقب باشیم که فناوری جای رابطه انسانی را نگیرد. پرونده الکترونیک، سامانه هوشمند و ابزارهای نو باید بار کار غیرضروری را کاهش دهند و فرصت بیشتری برای گفت‌وگو و مراقبت فراهم کنند؛ نه اینکه بهورز را از مردم جدا و او را به کاربر دائمی فرم‌ها و سامانه‌ها تبدیل کنند. معیار ارزش فناوری این است که آیا کیفیت مراقبت را بهتر، تصمیم‌گیری را دقیق‌تر و زندگی کاری ارائه‌دهنده خدمت را منطقی‌تر می‌کند یا خیر.

تجربه چند دهه فعالیت در آموزش و مدیریت بهداشت به من آموخته است که برنامه‌های بزرگ، تنها با بخشنامه پایدار نمی‌مانند. هر اصلاحی در شبکه، زمانی موفق است که صدای خط مقدم در آن شنیده شود. بهورزان باید نه فقط مجریان سیاست‌ها، بلکه شرکای طراحی و ارزیابی برنامه‌ها باشند. آنان زودتر از هر گزارش رسمی می‌دانند کدام نیاز در حال ظهور است، کدام دستورالعمل در میدان قابل اجرا نیست و کدام خانواده ممکن است از چرخه مراقبت جا بماند.

از سوی دیگر، نمی‌توان از بهورز انتظار نقشی روزافزون داشت، اما به منزلت حرفه‌ای، امنیت شغلی، سلامت روان، امکانات کار، آموزش مستمر و مسیر پیشرفت او بی‌توجه بود. تکریم بهورز نباید به برگزاری یک مراسم یا بیان چند جمله قدردانی محدود شود. تکریم حقیقی یعنی شرح وظایف روشن و متناسب، بار کاری منصفانه، آموزش باکیفیت، حمایت مدیریتی، ابزار مناسب، نظام عادلانه انگیزش و امکان رشد حرفه‌ای. سازمانی که از نیروی انسانی خود مراقبت نکند، نمی‌تواند مراقبتی پایدار از مردم ارائه دهد.

در این میان، نقش مربیان و مراکز آموزش بهورزی نیز تعیین‌کننده است. مربی فقط انتقال‌دهنده محتوا نیست؛ او هویت حرفه‌ای نسل آینده را می‌سازد. آموزش باید مسئله‌محور، مهارت‌محور و متصل به واقعیت میدان باشد. تجربه پیشکسوتان، شواهد علمی روز و دانش محلی بهورزان باید در کنار یکدیگر قرار گیرد. اگر میان دانشگاه، مدیریت نظام سلامت و خانه بهداشت گفت‌وگویی دائمی برقرار کنیم، شبکه به یک نظام یادگیرنده تبدیل خواهد شد؛ نظامی که از تجربه خود می‌آموزد و خطاها را تکرار نمی‌کند.

یکی از نگرانی‌های جدی من این است که در مسیر توسعه، رفتار افزایش بی‌رویه برنامه‌ها و شاخص‌ها شویم. هر وظیفه جدیدی که به خانه بهداشت سپرده می‌شود، باید از نظر ضرورت، قابلیت اجرا، زمان مورد نیاز و اثر آن بر کیفیت سایر خدمات سنجیده شود. افزودن کار بدون تأمین نیرو، زمان، آموزش و امکانات، نه توسعه خدمت، بلکه فرسایش سرمایه انسانی است. باید شجاعت اولویت‌بندی داشته باشیم و اجازه دهیم بهورز وقت خود را صرف کارهایی کند که بیشترین اثر را بر سلامت مردم دارند.

همچنین لازم است روح اجتماع‌محوری شبکه را دوباره تقویت کنیم. بسیاری از مسائل امروز سلامت- از تغذیه و کم‌ تحرکی تا آلودگی محیط، حوادث و آسیب‌های اجتماعی- تنها در بخش سلامت حل نمی‌شوند. بهورز می‌تواند مسئله را آشکار، مردم را همراه و ظرفیت‌های محلی را فعال کند؛ اما حل آن نیازمند همکاری دهیاری‌ها، شوراهای، مدارس، دستگاه‌های اجرایی و خود مردم است. سلامت، حاصل کار مشترک جامعه است و شبکه بهداشت باید تسهیل‌گر این همکاری باشد.

بهورزان عزیز؛ شما وارثان یک تجربه ملی ارزشمندید، اما ارزش کار شما فقط به گذشته تعلق ندارد. آینده مراقبت‌های اولیه سلامت نیز به حضور آگاهانه، اخلاق‌مدار و نوآورانه شما وابسته است. هر بار که بیماری را زود تشخیص می‌دهید، مادری را به‌موقع ارجاع می‌دهید، سالمندی را از تنهایی و بی‌توجهی بیرون می‌آورید، نوجوانی را از یک رفتار پرخطر بازمی‌دارید یا خانواده‌ای را برای مراقبت از سلامت خود توانمند می‌کنید، در حقیقت بخشی از آینده ایران را می‌سازید.

از نسل جوان بهورزان می‌خواهم به دانشی که آموخته‌اند بسنده نکنند؛ پرسشگر باشند، تجربه‌های خود را ثبت کنند، از داده‌ها برای شناخت بهتر مردم استفاده کنند و در عین حال، حرمت رابطه انسانی را نگه دارند. از مدیران می‌خواهم میدان را ببینند و پیش از هر تصمیم، پیامد آن را برای بهورز و مردم بسنجند. از دانشگاه‌ها و استادان نیز انتظار می‌رود دانش خود را بیش از پیش در خدمت حل مسائل واقعی شبکه قرار دهند.

امروز وظیفه ما تنها حفظ خانه‌های بهداشت نیست؛ باید فلسفه‌ای را حفظ کنیم که این خانه‌ها بر اساس آن بنا شدند: تقدم پیشگیری بر درمان، تقدم نیاز مردم بر ساختار اداری، تقدم عدالت بر برخورداری و تقدم اعتماد بر اجبار. اگر این اصول پابرجا بماند، شکل و ابزار شبکه می‌تواند متحول شود و همچنان پاسخ‌گوی نسل‌های آینده باشد.

در پایان، با احترام در برابر همه بهورزانی که در سراسر این سرزمین چراغ سلامت را روشن نگه داشته‌اند، سر فرود می‌آورم؛ به‌ویژه آنان که در مناطق دورافتاده و دشوار، با امکانات محدود اما با مسئولیتی بزرگ خدمت می‌کنند. از مریبان، مسئولان آموزش بهورزی، مراقبان سلامت، مدیران و همه خانواده‌هایی که پشتیبان این تلاش‌اند نیز صمیمانه سپاسگزارم.

امیدوارم روز بهورز، فرصتی برای تجدید عهدی ملی در پاسداری از نظام شبکه و سرمایه انسانی آن باشد؛ عهدی برای اینکه تجربه پیشکسوتان را به دانش نسل جدید پیوند دهیم، صدای خط مقدم را در تصمیم‌ها بشنویم و هیچ ایرانی را در مسیر دستیابی به سلامت تنها نگذاریم.

برای همه شما سلامتی، عزت و توفیق خدمت آرزو می‌کنم و یاد همه خادمان و پیشکسوتان فقید حوزه بهداشت را گرامی می‌دارم و برای اساتید عالیقدر بنیان‌گذار جناب آقای دکتر مرندی و جناب آقای دکتر ملک افضلی طول عمر با عزت همراه با سلامتی آرزو می‌کنم. روز بهورز بر شما و بر خانواده بزرگ بهداشت کشور مبارک باد.